

جوانان و هویت تاریخی و جغرافیایی (نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان مقطع متوسطه شیراز)

* جلیل عزیزی

** سیدسعید زاهد

E-mail: Ja_azizi@yahoo.com

E-mail: Zahedanii@shirazu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۲۳

چکیده

تعلق خاطر به سرگذشت تاریخی جامعه و اقلیمی که مردم در آن زیست می‌کنند، در بسیاری جوامع از عناصر مهم هویت‌بخش به‌شمار می‌رود. این دو عامل، به‌خصوص در استان فارس که از پیشینه تاریخی پرشکوه و جغرافیای متنوع برخوردار است، بسیار مهم و مؤثر می‌باشد. امروزه که دستگاه‌های ارتباطی، مانند تلفن، ماهواره و اینترنت جامعه جهانی را به‌صورت دهکده جهانی در آورده است، دریافت میزان تعلق خاطر جوانان به این دو عامل و عوامل مؤثر بر آنان از اهمیتی خاص برخوردار است. این مقاله که نتیجه پژوهشی تجربی در این زمینه می‌باشد، به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است: آیا جوانان شیراز در این دو بعد از هویت، دچار مشکل می‌باشند یا خیر؟ چه عواملی با این فرایند مرتبط است؟ میزان اثرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر احساس تعلق به این دو بعد از هویت چه مقدار می‌باشد؟

نمونه آماری این پژوهش چهارصد نفر از جوانان شهر شیراز (دانش آموزان سال سوم متوسطه) می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد تنها ۵ درصد از پاسخگویان در بعد تاریخی و ۱۰ درصد در بعد جغرافیایی دچار اختلال هستند و متغیرهای احساس تعلق به جامعه، مشروعیت نظام سیاسی، اعتقاد به مفید بودن مشارکت اجتماعی، برنامه درسی مدارس، ارتباط با دیگران، روایت هویت ملی و شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه با هویت جغرافیایی و تاریخی رابطه معنادار بسیاری دارند.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت ملی، هویت تاریخی، هویت جغرافیایی.

* کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

** استادیار دانشگاه شیراز

مقدمه

هویت از آغاز تمدن بشری ذهن انسان را به خود مشغول داشته و اکنون نیز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان معاصر است. به‌طوری‌که در حال حاضر محور اصلی بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی می‌باشد. روند تغییرات اجتماعی چنان سرعت و عمق یافته که اصیل‌ترین عرصه حیات بشری، تحت عنوان فرهنگ را نیز در نوردیده و انسان‌ها را در یک دگرگونی جدی فرهنگی قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که فرهنگ آموخته‌شده پیشین در شرف اضمحلال می‌باشد (کازنو، ۱۳۷۰: ۱۷۶). این تغییرات شدید، به‌همراه دگرگونی‌های علمی، تکنولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تکوین هویت انسانی را با چالش مواجه کرده است. جوانان با توجه به شکل‌گیری شخصیت در این سنین، در دوره‌ای به‌سر می‌برند که پایه و اساس تعهد تعمیم‌یافته و احساس تعلق عاطفی به جامعه خود را کسب می‌کنند. در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت فرد شکل گرفته و طی روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را درونی می‌کند و براساس آن‌ها، رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهد. حال اگر در این سنین، در روند درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها خللی ایجاد شود و جوانان نتوانند پایه و اساس محکمی برای رفتار و اندیشه‌های خود پیدا کنند، دچار نوعی حیرانی و سرگشتگی در مواجهه با مسائل و پدیده‌های اجتماعی - روانی خواهند شد. به‌تعبیری دیگر، از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرایند جامعه‌پذیری که در آن نظام شخصیت شکل می‌گیرد، جزئی از فرایند توسعه است. با رشد شخصیت‌های انسانی، زمینه برای توسعه و تحول ساختاری فراهم می‌شود. بدون نظم شخصیتی مطلوب، امکان دسترسی به یک نظم اجتماعی مطلوب میسر نیست و بالعکس (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۳۶ و ۲۳۷). از سوی دیگر، افزایش ارتباطات جهانی و پدیده جهانی شدن، باعث ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است. رواج ارزش‌های گوناگون، قرارگرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، انسان امروزی را چنان دچار ازخودبیگانگی کرده که خود را به فراموشی سپرده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۴). توسعه هویت، کشمکش همیشگی انسان را برای حل آرای مخالف نسبت به جدایی و وحدت منعکس می‌کند؛ کشمکشی که برای یکپارچگی بر سطوح گروهی و فردی عمل می‌کند (هال^۱، ۲۰۰۱).

1. Hall

با این حال، باید گفت مسئله هویت ملی و ابعاد مختلف آن، به ویژه ابعاد تاریخی و جغرافیایی، امروزه یکی از اساسی ترین مسائل پیش روی جوانان به شمار می رود. بنابراین، این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است: میزان تعلق خاطر جوانان (دانش آموزان مقطع متوسطه) شیراز به هویت تاریخی و جغرافیایی چقدر است و چه عواملی بر آن تأثیر می گذارد؟

۱. مفهوم هویت

هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات، مشخصات، احساسات و اندیشه های فردی و اجتماعی که فرد آن ها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصویری از خود به دست می آورد و در جواب سؤال «من کیستم؟» نمایان می کند. به نظر برگر:

مردمی که برای اولین بار با یکدیگر آشنا می شوند، می کوشند تا نقطه مشترکی را پیدا کنند که وجه تمایز آن ها با دیگران است. این کار باعث می شود تا هر یک از افراد نقش های جداگانه ای داشته باشند. در یک سطح بالاتر، وقتی مردم هویت مشترک را کشف می کنند، می توانند از این طریق به نوعی انسجام برسند (هیزر، ۱۹۹۸: ۲۰۱ و ۲۰۲).

می توان هویت ها را به مثابه شالوده ها و سازه های اجتماعی دانست که در فرایند شالوده ریزی یا سازه گرایی اجتماعی^۲ به وجود می آیند و با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی، با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی در طول زمان بازتعریف و بازتفسیر می شوند. از این رو، در فرایند شکل گیری هویت ها، پدیده های معرفتی، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، ساختار سیاسی و اقتصاد و فناوری، نقش بسزایی دارند (منتظر قائم، ۱۳۷۹: ۲۵۹).

در جوامع مختلف بر حسب اهمیت اقلام یاد شده، برخی عوامل در هویت سازی عمده تر هستند. در مورد هویت ایرانی می توان گفت:

در فلات ایران اقوامی زندگی می کنند که خود را ایرانی می دانند و به ایرانیست خویش می یابند؛ زیرا از تاریخ پرافتخاری برخوردارند. این مردم نظام ارزشی و فرهنگی خود را از دین که امروز به صورت دین اسلام تجلی یافته است می جویند. آنان توسط زبان فارسی با یکدیگر مرادده دارند و بر آن به عنوان وجه مشترکی میان اقوامی که به زبان های مختلف مادری تکلم می کنند ارجح می گذارند. ضمن ارزش گذاری به زبان فارسی به عنوان حامل اصلی میراث مشترک فرهنگی

1. Heise

2. Social Constructivism

مکتوب و شفاهی، آنان فراگیری زبان‌های دیگر، مانند عربی و انگلیسی را برای علم‌آموزی و تماس با فرهنگ اسلامی و فرهنگ جهانی مذموم نمی‌دانند. هدف این قوم کسب ترقی و پیشرفت در سایه دینداری است. از این رو تجدد خواهی را نیز به عنوان عضوی از عناصر اصلی فرهنگی خویش، اما با یک نگاه ابزاری پذیرفته‌اند (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

بنابراین، تاریخ و جغرافیا در کنار فرهنگ دینی، زبان فارسی و میل به پیشرفت، از عناصر مهم هویت ایرانی می‌باشند.

۱-۱. هویت تاریخی

تحولات و فرایندهای درازمدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور مؤثر است. خاطرات، رخدادها و حوادث، شخصیت‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخی در شکل دادن به انگاره‌های جمعی بسیار تأثیرگذار هستند. بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن. احساس هویت تاریخی و «هم‌تاریخ‌پنداری» پیونددهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر است و مانع جداشدن نسلی از تاریخش می‌شود؛ زیرا هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود. اهمیت دادن به این بعد از هویت از سوی نظام‌های مختلف سیاسی، موجب طرح نقدهای جدی شده است. به اعتقاد پولانتزاس^۱، از مارکسیست‌های ساختارگرا، فرایند ملت‌سازی از طریق تاریخ‌سازی، پیش‌نیاز دولت سرمایه‌داری است. هابرماس^۲ نیز از بازسازی هویت تاریخی توسط دولت‌ها انتقاد می‌کند. برخی دانشمندان نیز این فرایند را مثبت ارزیابی کرده‌اند. مایکل استورمر^۳ در انتقاد از هابرماس، بر این عقیده است که تاریخ‌نگاری محافظه‌کارانه از نظر اخلاقی مشروع و از نظر سیاسی ضروری است؛ بنابراین، هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۱ و ۲۰۲). مردمی که دارای تاریخ مدون و طولانی هستند و فراز و نشیب‌های تاریخی را پشت سر گذاشته‌اند، از یک عامل مهم همبستگی بهره می‌گیرند و خود را در ملت نامیدن و دولت تشکیل دادن، محق می‌شمارند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۰: ۲۲).

شکل‌گیری احساسات عمیق و ریشه‌دار توده‌های مردم در باب ایرانی‌بودن و تثبیت انگاره‌های جمعی در یک نظام اجتماعی، نیازمند جریان‌های درازمدت تاریخی و

1. Poulantzas

2. Habermas

3. Milkel Stowrmer

خاطرات ساخته شده از رخدادها و حوادث آن می باشد. بنابراین، فقدان یا ضعف خودآگاهی تاریخی و علاقه و دلبستگی نداشتن به تاریخ مشترک بحران هویت تاریخی، تاریخ و تحولات گذشته هر کشور سازنده و شکل دهنده کم و کیف وضعیت هویتی آن کشور است. ناگفته نماند مجموعه ستیزه‌ها و مناقشات در باب ریشه‌های این هویت در بین روشنفکران و نخبگان هر جامعه به‌طور چشمگیری سبب تضعیف این بعد از هویت می شود (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

۲-۱. هویت جغرافیایی

هویت ملی هر ملت در درجه نخست، زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است. محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. تعریف هویت در این بعد، عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که «ما» ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می کند. به این معنا که تنها با وجود آن سرزمین مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهای متصور خواهد بود. دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می شود، شاخص‌های متعددی دارد که از آن جمله‌اند: آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر، مرجح دانستن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور (همان، ۲۰۳).

دلبستگی و عشق به سرزمین، زاد بوم و جغرافیای کشور در جایگاه وجه فیزیکی و فضایی هویت ملی، در ایجاد و تقویت احساس هویت ملی در هر کشور، نقش عمده‌ای دارد (همان، ۲۱۵).

۲. رویکردهای نظری هویت

استرایکر^۱ نگرش‌هایی را که در مورد هویت در حیطه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده است، در سه گروه تقسیم می کند (استرایکر، و بورک، ۲۰۰۰: ۲۸۴-۲۹۷). گروه اول، نگرشی فرهنگی و جمعی به هویت دارند که ایده‌ها، باورها و

1. Strikers

2. Burke

عمل‌های یک گروه یا جمع را نمایش می‌دهند. این نگرش به هویت اغلب در کارهایی دیده می‌شود که بر هویت قومی انجام گرفته است. در این دیدگاه، هویت به صورت مشخص و شفاف تعریف نشده است، به همین جهت کارهایی که از این مفهوم استفاده کرده‌اند، مبهم کرده است. این دیدگاه از تشریح تغییرپذیری افراد در رفتار و انگیزش و کنش متقابل ناتوان است. دیدگاه دوم در مورد هویت، ذیل سنت کنش متقابل‌گرایی و به‌ویژه نگاه ساختاری آن پدید می‌آید. این دیدگاه، بیشتر ارتباطات، نقش افراد و تغییرپذیری، انگیزش و تفاوت‌ها را با هویت بررسی می‌کند. این دیدگاه به نظریه هویت معروف بوده و دانشمندانی چون بورک، استرایکر، مک کال^۱، سیمونز^۲ و... بر آن تمرکز می‌کنند. در این دست از نظریه هویت، هسته هویت، مقوله‌بندی خود به‌عنوان اجراکننده نقش و ترکیب معانی و انتظارات تداعی شده با نقش در درون خود و اجرای آن‌ها می‌باشد (استرایکر، و بورک، ۲۰۰۰: ۲۲۴). این دیدگاه بیشتر به هویت نقشی تأکید می‌کند. زمانی که فردی نقش خاصی را برعهده می‌گیرد، همراه نقش نوعی هویت نیز کسب می‌کند و این هویت از وظایف نقشی و انتظارات دیگران از آن نقش ناشی می‌شود. این دیدگاه چون هویت را ناشی از نقش‌پذیری افراد در درون گروه‌ها می‌داند، بیشتر به روابط درون گروه با نقش‌های اعضا نظر دارد. سومین دیدگاه در مورد هویت، در پژوهش‌های تاجفل^۳ و افرادی چون جان ترنر^۴، هوگ^۵، اوکاس^۶، ریچر^۷ تحت عنوان نظریه هویت اجتماعی نمودار است. این دیدگاه، هویت را امری تلقی می‌کند که در درون یک گروه و مقوله‌جاسازی شده است. همچنین تفاوت گروه و مقوله را نادیده می‌گیرد و اهمیت رفتار درون گروه^۸، مثل ارتباطات بین اعضای گروه را رها می‌کند (همان، ۲۲۶).

نظریه هویت و نظریه هویت اجتماعی از بسیاری جهات با همدیگر شباهت و هم‌پوشانی دارند. این تشابهات چنین‌اند: اول اینکه هر دو نظریه به زمینه‌های متفاوت هویت اعتقاد دارند (گروه‌ها و مقوله‌ها برای نظریه هویت اجتماعی و نقش‌ها برای نظریه هویت)، دوم اینکه هر دو نظریه به عمل هویت‌ها و برجستگی آن‌ها اشاره می‌کنند؛ قلمرو سوم مشابهت به هسته فرایندهایی اختصاص دارد که شخص از یک هویت تأثیر می‌پذیرد (فرایندهای شخصیت‌زدایی^۹) در نظریه هویت اجتماعی و تأیید خود و اعتماد به نفس در نظریه هویت (استرایکر، و بورک، ۲۰۰۰: ۲۲۴).

1. M.Call
2. Simons
3. Tajfel

4. Turner
5. Hogg
6. Occas

7. Richer
8. Within Group Behavior
9. Depersonalization

تاجفل به نوعی پیوند بین ملزومات هویت و اشکال مختلف رفتار بین گروهی قائل است. کانون توجه تاجفل این فرضیه است که هویت‌های اجتماعی مردم در ابتدا از طریق مقایسه اجتماعی شکل می‌گیرد که گروه خودی را از گروه‌های غیر خودی متمایز می‌سازد. بر اساس این، می‌توان گفت این ایده، غلبه گروهی را، حتی در صورت نبود تضاد منافع واقعی تبیین می‌کند (کوپر، ۱۹۹۵: ۷۹۷-۷۹۰).

حال به اختصار، به تعدادی از نظریه‌های هویتی، جهت تبیین بهتر مسئله، نگاهی گذرا می‌افکنیم. نظریه نظام کنترل فرایند هویت^۱ یکی از این نظریه‌های یاد شده است که هدفش نشان دادن مدلی از روابط بین فشار و هویت است که در نتیجه آن، هویت جدیدی شکل می‌گیرد. این نظریه نشان می‌دهد فشارهای اجتماعی (و محیطی) به شکستن حلقه‌های بازگشتی منجر می‌شوند که فرایند هویت را حفظ می‌کنند. به عبارت دیگر، این نظریه بیان می‌کند که چگونه ارزیابی یک شخص نسبت به خودش از جامعه - احساس هویت اجتماعی - به فشارهای اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند؛ همچنین چگونه این فشارها، فرایند هویت فرد را منقطع می‌کنند و فرد احساس بی‌هویتی کرده، هویت جدیدی را جایگزین می‌کند (بورک، ۱۹۹۱: ۳۶). نظریه دیگر، کنش متقابل نمادی^۲ است. بر اساس سازکارهایی که در این رهیافت مطرح می‌شود، می‌توان گفت تعامل فقط در میان افراد صورت نمی‌گیرد، بلکه در درون افراد نیز رخ می‌دهد. در این دیدگاه، ما کنشگرانی هستیم که پیوسته در حال گفت‌وگو با «خود» هستیم. «خود» آمیخته‌ای است از تمام افرادی که مورد توجه ما بوده‌اند و نیز تمام نقش‌هایی که ایفا کرده‌ایم. این «خود»، ما را با دیگر حیوانات و موجودات متمایز می‌کند (ترنر، ۱۳۷۱؛ کوزر، ۱۳۶۸؛ تنهایی، ۱۳۷۴). در این دیدگاه، «هویت»، با «خود» متفاوت است. هویت آن «نامی» است که فرد به خود اطلاق می‌کند یا تصویری که ارائه می‌دهد. نظریه جدافتادگی اجتماعی^۳ نیز بر تعیین هویت گروهی در مقام جایگزین هویت اجتماعی نوجوانان در شرایطی خاص تأکید می‌کند. این نظریه بر آن است که «جدافتادگی» یا «تنهایی اجتماعی» که بر اثر فقدان مطرح شدن، فقدان احساس تعلق به جامعه و قرار گرفتن فرد در حاشیه جامعه حاصل شده است، به احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان منجر شده و به‌طور ویژه‌ای برای آنان مشکل‌ساز می‌شود. در این صورت، نوجوانان برای کسب هویت خودشان، به گروه همسالان رجوع کرده، با عضویت گروهی خود در گروه

1. The Control - System of Identity Process Theory

2. Interaction Symbol Theory

3. Social Lonelines Theory

همسالان، موقعیت جدیدی را در جامعه برای تعریف از خودشان پیدا می‌کنند. آخرین نظریه، مقوله‌بندی^۱ است که در آن یک تأکید ادراکی به شباهت‌های درون گروهی و تفاوت‌های بیرون گروهی در ابعاد مختلف وجود دارد. ردم خودشان و دیگران را مقوله‌بندی اجتماعی برجسته کلیشه‌ای می‌کنند که این کار به هویت ادراکی افزوده بین خود و اعضای درون گروه و تمایز ادراکی افزوده بین اعضای درون گروه و بیرون گروه منجر می‌شود (ترنر، و هاسلم^۲، ۲۰۰۱: ۳۲). زمانی که هویت اجتماعی در برابر هویت شخصی برجسته می‌شود، مردم خودشان را کمتر از طریق تفاوت‌های فردی و بیشتر از طریق شباهت‌های درون گروهی می‌بینند و این، همان شخصی‌سازی خود^۳ است. این بدان مفهوم است که وقتی فرد به نوعی مقوله‌بندی دست پیدا کرد و درون گروه را از بیرون گروه تشخیص داد، ارزیابی مثبتی از درون گروه، و نوعی سوگیری مثلاً در تقسیم منابع نسبت به گروه خود خواهد داشت.

۳. مدل علی تحقیق

با توجه به مباحث نظری برگرفته از پیشینه تحقیق، مدل تحلیلی تحقیق ارائه می‌شود. چنان‌که کوهن^۴ اشاره می‌کند، هر مدل شامل دو بخش است: یکی مبنای منطقی و دیگری مکانیسم. مبنای منطقی به تبیین در مورد ماهیت پدیده‌های مورد نظر اطلاق می‌شود که به تعاریف لفظی مفاهیم مدل می‌انجامد. مکانیسم نیز عبارت است از ساختار مفاهیم و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر. بر اساس این، مدل ارائه شده نیز علاوه بر بیان مفهومی متغیرها، به ارتباطات عمده میان متغیرها نیز می‌پردازد و مسیرهای غیرمستقیم تأثیر متغیرهای مقدم را نیز نشان می‌دهد. هر چند تأثیر متغیرها به صورت مستقیم نیز بررسی خواهند شد، لازم است ذکر شود که تمامی متغیرهای مدل علی از نظریه‌های مربوطه استخراج شده‌اند. به دلیل تکرار مدل علی در قسمت تحلیل مسیر، از آوردن آن در این قسمت پرهیز کرده، تنها به منبع نظری متغیرها بسنده می‌شود.

جدول شماره ۱: منبع نظری متغیرهای مدل علی

ردیف	متغیر	منبع نظری متغیر
۱	احساس تعلق به جامعه	دورکیم (۱۳۶۸)، تنوری جدا افتادگی اجتماعی
۲	رویکرد مثبت به غرب	هانتینگتون (دهشیری، ۱۳۸۰)
۳	مشروعیت نظام سیاسی	بشیریه (۱۳۷۹)، چلبی (۱۳۷۵)

1. Categorical Theory
2. Turner & Haslem

3. Self-Depersonalization

4. Kuhen

۴	اعتقاد به مشارکت اجتماعی	هابرماس (رزازی فر، ۱۳۷۹)
۵	فردگرایی	جواناوا این و راب (۱۹۹۷)
۶	شکاف ارزشی	دهشیری (۱۳۸۰)
۷	عضویت در مقولات اجتماعی	تاجفل و ترنر، نظریه مقوله‌بندی (چلبی، ۱۳۷۵)
۸	ارتباط با دیگران	گلاسر (شفیق آبادی، ۱۳۶۲)
۹	رضایت سیاسی - اجتماعی و اقتصادی	عبداللهی (۱۳۷۴)، دهشیری (۱۳۸۰)
۱۰	روایت هویت ملی	اندرسون (۱۹۹۱)
۱۱	شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه	جواناوا این و راب (۱۹۹۷)
۱۲	برنامه درسی مدارس	استرایکر (رزازی فر، ۱۳۷۹)، نظریه تربیت
۱۳	رسانه‌های گروهی	منتظر قائم (۱۳۷۷)
۱۴	احساس نابرابری اجتماعی	مارکس (ترنر، ۱۹۹۶)، التوسر (عبداللهی، ۱۳۷۴)
۱۵	مقایسه اجتماعی	تاجفل (۱۹۹۵)

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع بنیادی کاربردی است. روش تحقیق، میدانی است که از روش‌های اسنادی نیز در مطالعات مقدماتی استفاده شده است. روش تحقیق، پیمایشی یا تحقیق زمینه‌یابی می‌باشد؛ البته در تحقیق حاضر روش مطالعات کتابخانه‌ای نیز به کار رفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه خود اجراست که قسمت‌های اصلی پرسشنامه شامل سؤالات سنجش متغیر مستقل و سؤالات سنجش هویت تاریخی و جغرافیایی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم متوسطه در نواحی چهارگانه شهر شیراز هستند که حجم نمونه‌ای چهارصد نفره بر اساس نمونه‌گیری انتخاب شدند.

در این تحقیق از دو نوع اعتبار صوری و تجربی استفاده شد. در اعتبار صوری، پرسشنامه از سوی چند تن از استادان جامعه‌شناسی بررسی و نکات اصلاحی آن‌ها در پرسشنامه قید شد. در اعتبار تجربی، با استفاده از روش تحلیل عاملی، اعتبار ابزار تحقیق بررسی شد. در این روش، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، این موضوع، مطالعه شد که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی قابلیت بار شدن بر روی یک عامل را دارند و یا در حقیقت قابلیت سنجش یک متغیر را دارند یا نه.

روایی به بررسی قابلیت تکرارپذیری ابزار تحقیق می‌پردازد. این مهم در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ تحلیل شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در

مورد مجموعه معرف‌های متغیر، نمودار میزان روایی بسیار تک‌تک متغیرهای سازنده ابزار تحقیق است.

جدول شماره ۲: میزان روایی متغیرهای مستقل و وابسته

میزان آلفای کرونباخ	نام متغیر	میزان آلفای کرونباخ	نام متغیر
۰/۷۹۳۱	مقایسه اجتماعی	۰/۷۵۴۸	فردگرایی
۰/۶۸۱۴	برنامه درسی مدارس	۰/۷۸۹۱	استفاده از رسانه‌های گروهی
۰/۷۷۵۴	احساس نابرابر اجتماعی	۰/۸۵۷۶	اعتقاد به مشارکت اجتماعی
۰/۷۳۵۶	عضویت در مقولات اجتماعی	۰/۷۷۵۸	شرکت در برنامه‌های فوق برنامه
۰/۶۹۸۴	رویکرد مثبت به غرب	۰/۸۶۹۵	رضایت اجتماعی و اقتصادی
۰/۷۲۶۹	ارتباط با دیگران	۰/۸۲۶۹	روایت هویت ملی
۰/۶۸۷۵	شکاف ارزشی	۰/۷۳۱۱	مشروعیت نظام سیاسی
۰/۸۵۴۷	هویت جغرافیایی	۰/۷۵۴۲	احساس تعلق به جامعه
		۰/۸۶۷۵	هویت تاریخی

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. با افزایش میزان احساس تعلق به جامعه، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۲. با افزایش میزان عضویت در مقولات اجتماعی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۳. با افزایش اعتقاد به مشارکت اجتماعی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۴. با افزایش فردگرایی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی کاهش می‌یابد.
۵. با کاهش مشروعیت نظام سیاسی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی کم می‌شود.
۶. با افزایش رضایت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۷. با افزایش احساس نابرابری اجتماعی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۸. با افزایش مقایسه اجتماعی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی کاهش می‌یابد.

۹. با افزایش رویکرد مثبت به غرب، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی کاهش می‌یابد.
۱۰. با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های گروهی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی زیاد می‌شود.
۱۱. با افزایش میزان روایت هویت ملی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۱۲. با افزایش محتوای برنامه درسی مدارس در مورد هویت، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۱۳. با افزایش شرکت در برنامه‌های فوق برنامه، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.
۱۴. با افزایش شکاف ارزشی بین نسلی، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی کاهش می‌یابد.
۱۵. با افزایش ارتباط با دیگران، میزان هویت تاریخی و جغرافیایی افزایش می‌یابد.

۵. نتایج و یافته‌ها

۵-۱. آمار توصیفی

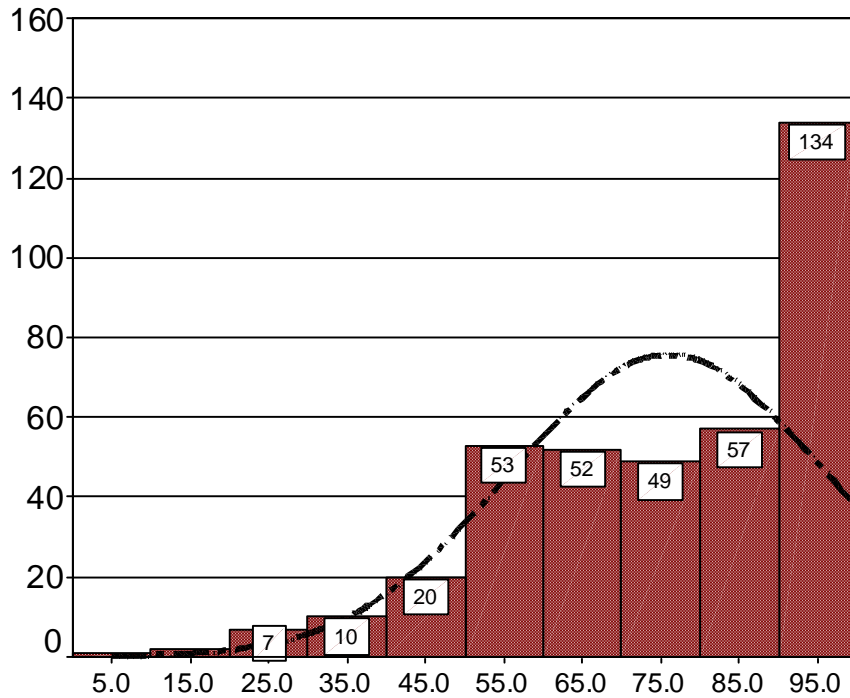
۵-۱-۱. هویت تاریخی

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی پاسخ‌های پاسخگویان به معرف‌های سه‌گانه هویت تاریخی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخ‌های دانش‌آموزان به معرف‌های هویت تاریخی

کاملاً موافقم	تا حدودی موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم
۱۶۰	۱۳۴	۴۱	۲۷
۴۲/۳	۳۵/۴	۱۰/۸	۷/۱
۱۷۱	۱۱۱	۵۷	۷
۴۵/۵	۲۹/۵	۱۵/۲	۱/۹
۱۵۷	۱۱۷	۵۸	۱۵
۴۲/۱	۳۱/۴	۱۵/۵	۴/۰

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخهای پاسخگویان به معرفهای هویت تاریخی



همان‌گونه که توزیع پاسخگویان بعد از تبدیل به مقیاس صفر تا ۱۰۰ در این نمودار نشان می‌دهد، ۱۹ درصد دانش‌آموزان با اخذ نمره بین ۴۰ تا ۶۰ هویت تاریخی متوسطی دارند؛ ۷۶ درصد دانش‌آموزان هویت تاریخی زیاد و تنها ۵ درصد دانش‌آموزان هویت تاریخی کمی دارند. بنابراین، با توجه به میانگین ۷۵/۹ می‌توان نتیجه گرفت میزان هویت تاریخی اکثر دانش‌آموزان بسیار است.

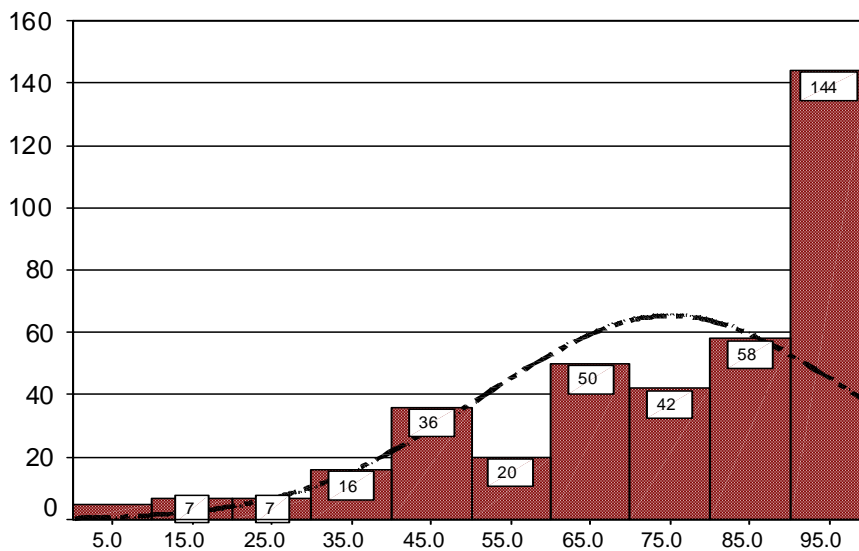
۲-۱-۵. هویت جغرافیایی

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی پاسخهای پاسخگویان به معرفهای چهارگانه هویت جغرافیایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخ‌های پاسخگویان به معرف‌های هویت جغرافیایی

کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم		
۱۲	۱۱	۱۳	۱۰۱	۲۲۴	فراوانی	من به عنوان یک جوان ایرانی اجازه نمی‌دهم یک وجب از خاک کشورم به دست بیگانگان بیفتد.
۳/۱	۲/۹	۸/۷	۲۶/۵	۵۸/۸	درصد	
۱۲۰	۱۰۷	۴۸	۶۵	۳۳	فراوانی	کشور ایران دارای تنوع طبیعی کمی است.
۳۲/۲	۲۸/۷	۱۲/۹	۱۷/۴	۸/۸	درصد	
۱۶۶	۵۹	۳۴	۴۹	۶۸	فراوانی	خیلی وقت‌ها به خودم می‌گویم ای کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.
۴۴/۱	۱۵/۷	۹/۰	۱۳/۰	۱۸/۱	درصد	
۱۹	۲۱	۴۵	۹۳	۱۹۸	فراوانی	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.
۵/۱	۵/۶	۱۲/۰	۲۴/۷	۵۲/۷	درصد	

نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌های پاسخگویان به معرف‌های هویت جغرافیایی



توزیع پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۴ درصد دانش‌آموزان با گرفتن نمره بین ۴۰ تا ۶۰ دارای هویت جغرافیایی متوسط هستند؛ ۷۶ درصد دانش‌آموزان دارای هویت جغرافیایی زیاد و تنها ۱۰ درصد پاسخگویان دارای هویت جغرافیایی کم هستند. بنابراین، با توجه به میانگین ۷۵، می‌توان نتیجه گرفت هویت جغرافیایی دانش‌آموزان بالا می‌باشد.

۲-۵. آماره‌های دو متغیری

به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته (پاسخگویی به فرضیه‌های پانزده‌گانه)، یعنی هویت تاریخی و جغرافیایی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول شماره ۳: ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با هویت تاریخی و جغرافیایی

متغیرهای وابسته		متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته		متغیرهای مستقل
هویت جغرافیایی	هویت تاریخی		هویت جغرافیایی	هویت تاریخی	
۰/۱۹۷	۰/۰۲۶	رضایت اجتماعی	۰/۵۵	۰/۳۲	احساس تعلق به جامعه
۰/۱۶۴	۰/۱۵۵	روایت هویت ملی	-۰/۵۱	-۰/۲۷	رویکرد مثبت به غرب
۰/۱۰۲	۰/۰۴۹	عضویت در مقولات اجتماعی	۰/۳۸	۰/۲۳	مشروعیت نظام سیاسی
-۰/۱۳	-۰/۰۲	نابرابری اجتماعی	۰/۳۶۹	۰/۲۴۵	مشارکت اجتماعی
-۰/۱۶	-۰/۰۲	رسانه‌های گروهی	-۰/۲۲	-۰/۲۲	فردگرایی
۰/۰۷۶	۰/۰۰۹	فعالیت‌های فوق برنامه	-۰/۱۹	-۰/۱۴	شکاف ارزشی
-۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	مقایسه اجتماعی	۰/۲۰۱	۰/۱۸۸	برنامه درسی مدارس
			۰/۱۱۹	۰/۱۹۹	ارتباط با دیگران

همانطور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، از مجموع کل متغیرهای مستقل، متغیرهای احساس تعلق به جامعه، مشروعیت نظام سیاسی، اعتقاد به مفید بودن مشارکت اجتماعی، برنامه درسی مدارس، ارتباط با دیگران، روایت هویت ملی و شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه، با هویت جغرافیایی و تاریخی معناداری بسیاری دارد که نمودار رابطه قوی مثبت میان این متغیرها و هویت جغرافیایی و تاریخی است؛ به طوری که با افزایش این متغیرها، میزان هویت جغرافیایی و تاریخی افراد مورد بررسی نیز افزایش می‌یابد. متغیرهای رویکرد مثبت به غرب، فردگرایی و شکاف ارزشی ارتباطی معنادار و منفی با هویت جغرافیایی و تاریخی دارد؛ به طوری که با افزایش این متغیرها در میان دانش‌آموزان، از میزان هویت جغرافیایی و تاریخی آن‌ها کاسته می‌شود. متغیرهای رضایت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و عضویت در مقولات اجتماعی تنها با هویت جغرافیایی ارتباط معنادار مثبت دارند و هیچ‌گونه پیوند معنادار با هویت تاریخی ندارند. متغیرهای احساس نابرابری و میزان استفاده از رسانه‌های گروهی تنها با هویت جغرافیایی رابطه معنادار منفی دارند و هیچ‌گونه ارتباط معناداری با هویت تاریخی ندارند. و در نهایت متغیر مقایسه اجتماعی هیچ رابطه معناداری با هویت جغرافیایی و تاریخی ندارد.

۳-۵. آماره‌های چندمتغیری

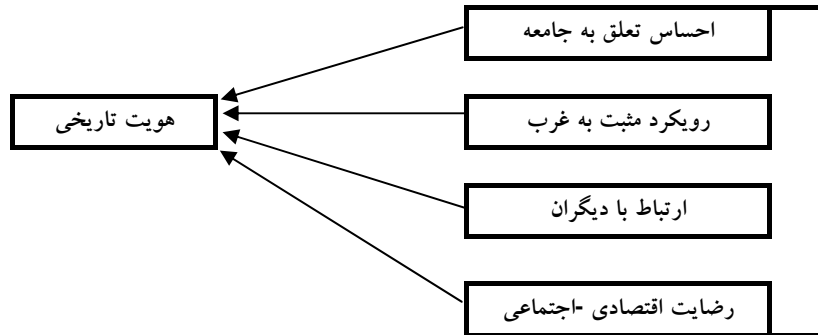
جهت پاسخگویی به این سؤالات که کدام یک از متغیرها دارای رابطه معنادار با متغیرهای وابسته می‌باشند؟ و سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته چقدر است؟ و اینکه متغیرهای مستقل در مجموع توانسته‌اند چه میزان از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند؟ از روش پیشرفته تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد.

۱-۳-۵. رگرسیون خطی هویت تاریخی

در تحلیل نهایی رگرسیون هویت تاریخی، از مجموع پانزده متغیر مستقل که وارد تحلیل شده‌اند، متغیرهای احساس تعلق به جامعه (***)^{۰/۲۱۳}، رویکرد مثبت به غرب (***)^{۰/۱۴۱}، ارتباط با دیگران (***)^{۰/۱۶۲} و رضایت اجتماعی و اقتصادی (***)^{۰/۱۰۳} معنادار هستند. بقیه متغیرها هیچ رابطه معناداری نشان نداده‌اند.

با توجه به مدل نهایی معادله رگرسیون خطی، متغیرهای معنادار را به صورت زیر می‌توان ترکیب بندی کرد.

مدل تحلیلی ۱: میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر هویت تاریخی



هویت تاریخی = $۰/۲۱۳$ (احساس تعلق به جامعه) - $۰/۱۴۱$ (رویکرد مثبت به غرب) + $۰/۱۶۲$ (ارتباط با دیگران) + $۰/۱۰۳$ (رضایت اقتصادی - اجتماعی)

در معادله یادشده، به ازای یک واحد افزایش در احساس تعلق به جامعه، ارتباط با دیگران و رضایت اقتصادی و اجتماعی به ترتیب به میزان $۰/۲۱۳$ ، $۰/۱۶۲$ ، $۰/۱۰۳$ به هویت تاریخی افراد افزوده، و به ازای یک واحد افزایش در رویکرد مثبت به غرب، $۰/۱۴۱$ از هویت تاریخی افراد کاسته می‌شود.

R^2 به دست آمده از مدل رگرسیونی هویت تاریخی $۰/۳۸$ می‌باشد؛ بدین معنا که کل

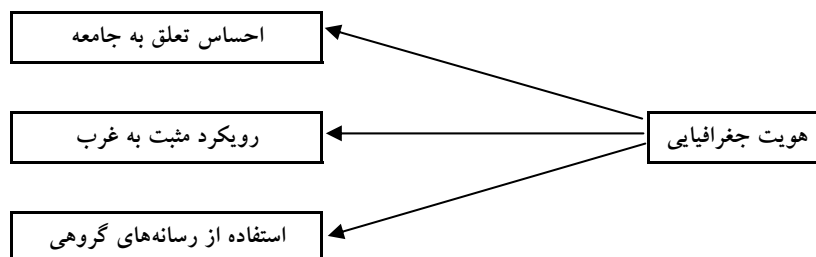
متغیرهای مستقل در این پژوهش، توانسته‌اند ۳۸ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بقیه تغییرات ناشی از متغیرهایی‌اند که در این پژوهش بررسی نشده‌اند؛ به عبارت دیگر E^2 برابر است با ۰/۶۲.

۲-۳-۵. رگرسیون خطی هویت جغرافیایی

در تحلیل نهایی رگرسیون هویت جغرافیایی، مجموع ۱۵ متغیر مستقلی که وارد تحلیل شده‌اند، توانسته‌اند ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند؛ به عبارت دیگر R^2 به دست آمده معادل ۰/۴۸ است.

از مجموع کل متغیرهایی که وارد معادله رگرسیونی شده‌اند، متغیرهای احساس تعلق به جامعه (۰/۳۸۰***)، رویکرد مثبت به غرب (۰/۳۳۰***-) و استفاده از رسانه‌های گروهی (۰/۱۸۱***) معنادار هستند. بنابراین، با توجه به مدل نهایی معادله رگرسیون خطی متغیرها معنادار را به صورت زیر می‌توان ترکیب بندی کرد:

مدل تحلیلی ۲: میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر هویت جغرافیایی



هویت جغرافیایی = $۰/۳۸۰$ (احساس تعلق به جامعه) - $۰/۳۳۰$ (رویکرد مثبت نسبت به غرب) + $۰/۱۸۱$ (استفاده از رسانه‌های گروهی)

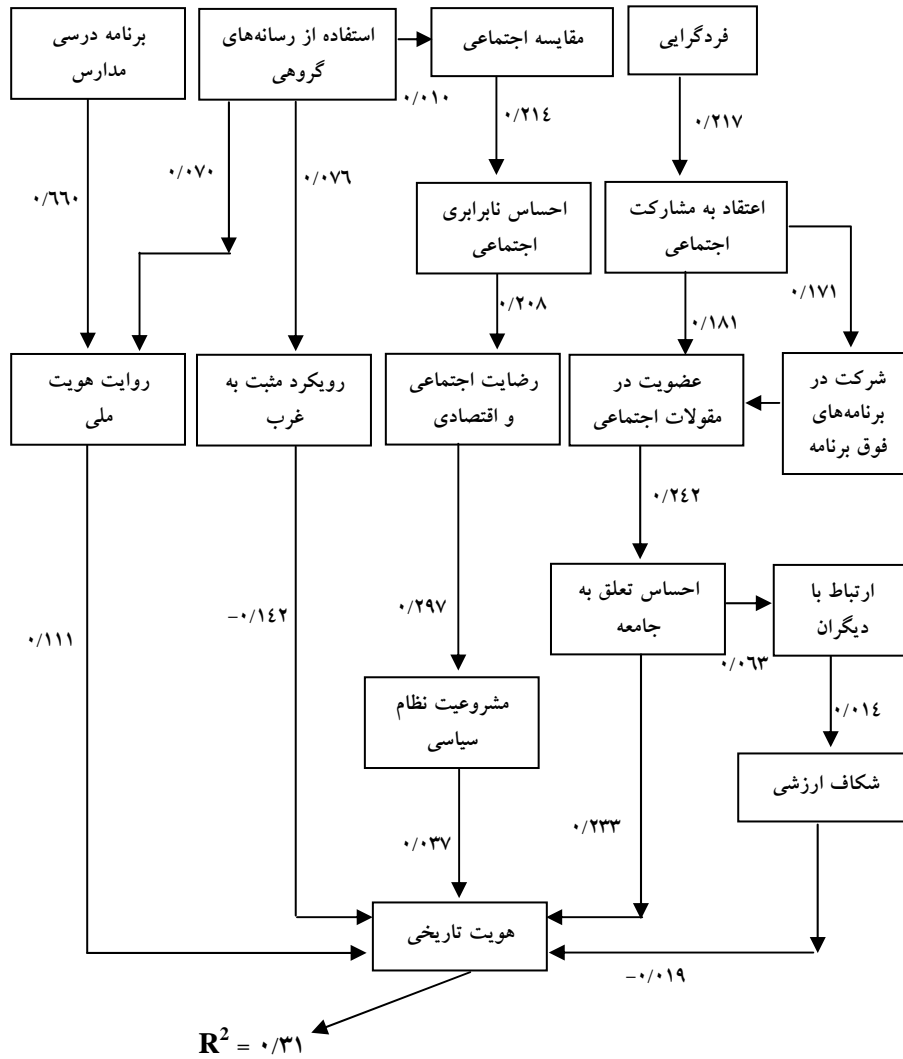
در معادله ارائه شده، به ازای یک واحد افزایش در احساس تعلق به جامعه و استفاده از رسانه‌های گروهی، به ترتیب $۰/۳۸۰$ و $۰/۱۸۱$ به هویت جغرافیایی افزوده و به ازای یک واحد افزایش در رویکرد مثبت به غرب، $۰/۳۳۰$ از هویت جغرافیایی کاسته می‌شود.

تحلیل مسیر

برای شناسایی مسیرهای معنادار مدل علی تحقیق که برآمده از مباحث نظری است، از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد.

مدل تحلیل مسیر هویت تاریخی

مدل شماره ۱: مدل تحلیل مسیر هویت تاریخی

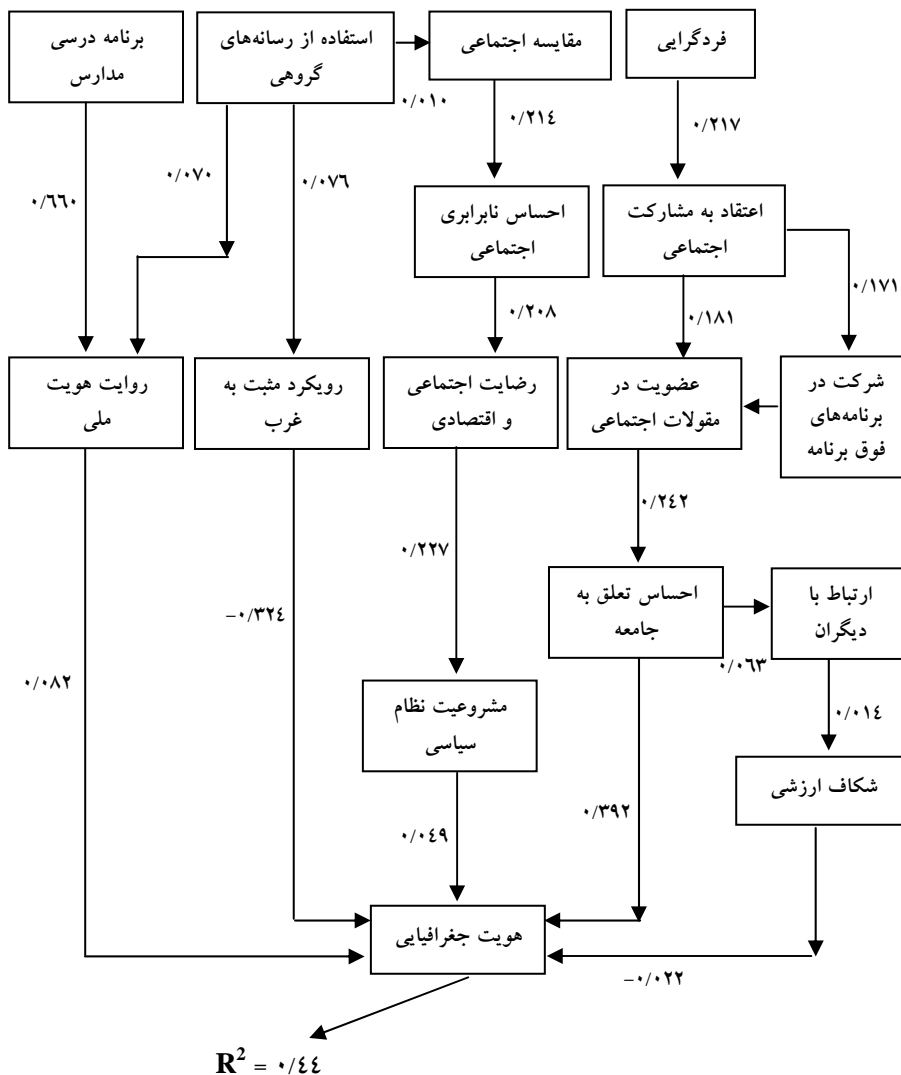


از میان متغیرهایی که بر هویت تاریخی اثر مستقیم دارند، متغیرهای احساس تعلق به جامعه و روایت هویت ملی رابطه معنادار مثبت با هویت تاریخی، و رویکرد مثبت به غرب رابطه معنادار منفی دارند. متغیرهای مشروعیت نظام سیاسی و شکاف ارزشی

- فاقد رابطه معنادار بوده، مسیر اثر آن‌ها حذف شد. با حذف مسیرهای غیرمعنادار، آثار غیرمستقیم (مکانیزمی) متغیرهای مقدم عبارت‌اند از:
۱. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه و هویت تاریخی؛
 ۲. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، شرکت در برنامه‌های فوق برنامه، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه و هویت تاریخی؛
 ۳. رویکرد مثبت به غرب و هویت تاریخی؛
 ۴. استفاده از رسانه‌های گروهی، روایت هویت ملی و هویت تاریخی؛
 ۵. برنامه درسی مدارس، روایت هویت ملی و هویت تاریخی.
- R^2 مدل ۰/۳۱ است که میزان تبیین واریانس هویت تاریخی به وسیله متغیرهای مقدم را نشان می‌دهد و میزان واریانس تبیین نشده (E^2) نیز برابر ۰/۶۹ می‌باشد.

مدل تحلیل مسیر هویت جغرافیایی

مدل شماره ۲: مدل تحلیل مسیر هویت جغرافیایی



چنان‌که مشاهده می‌شود، از میان متغیرهایی که اثر مستقیم بر هویت جغرافیایی دارند، متغیرهای احساس تعلق به جامعه و روایت هویت ملی رابطه معنادار مثبت، و رویکرد مثبت به غرب رابطه معنادار منفی با هویت جغرافیایی دارند. متغیرهای

مشروعیت نظام سیاسی و شکاف ارزشی فاقد رابطه معنادار بوده، مسیر اثر آن‌ها حذف شد. با حذف مسیرهای غیرمعنادار آثار غیرمستقیم (مکانیزمی) متغیرهای مقدم عبارت‌اند از:

۱. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه و هویت جغرافیایی؛
 ۲. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، شرکت در برنامه‌های فوق برنامه، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه و هویت جغرافیایی؛
 ۳. رویکرد مثبت به غرب و هویت جغرافیایی؛
 ۴. استفاده از رسانه‌های گروهی، روایت هویت ملی و هویت جغرافیایی؛
 ۵. برنامه درسی مدارس، روایت هویت ملی و هویت جغرافیایی.
- R^2 مدل ۰/۴۴ است که میزان تبیین واریانس هویت جغرافیایی به وسیله متغیرهای مقدم را نشان می‌دهد که با توجه به میزان واریانس تبیین نشده E^2 که برابر ۰/۵۶ است، مدل نظری از برازش (fit) تقریباً مناسبی برای تحلیل هویت جغرافیایی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان دارای هویت تاریخی زیاد هستند؛ به طوری که ۷۶ درصد دانش‌آموزان نمره بالاتر از ۶۰ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ کسب کرده‌اند و میانگین پاسخ‌های دانش‌آموزان ۷۵/۹ است که نشان می‌دهد هویت تاریخی دانش‌آموزان به‌عنوان پشتوانه فکری و فرهنگی در میان آن‌ها زیاد است. هویت تاریخی، آگاهی مشترک افراد جامعه از گذشته تاریخی و احساس تعلق عاطفی به آن می‌باشد. اینکه «ما کیستیم»، از این مهم نشئت می‌گیرد که بدانیم «ما که بوده‌ایم». دانستن گذشته تاریخی پشتوانه و پایه‌ای برای امروز و مسائل آن است.

داشتن احساس دلبستگی و تعلق به گذشته تاریخی نتیجه‌ای بسیار مهم دربردارد و آن پیوند میان‌نسلی بین افراد جامعه است. تاریخ و فرهنگ گذشته چون جوهری مشترک پیونددهنده نسل‌های مختلف است که هر یک سهمی در ساختن آن داشته است. ایجاد پیوند میان نسل‌های مختلف، موجب پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از سوی نسل جوان و نوجوان و در نتیجه نهادینه شدن ارزش‌ها و قواعد رفتاری و جلوگیری از شکاف ارزشی میان‌نسلی بین دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزان مورد بررسی به گذشته خود افتخار کرده و اکثر آن‌ها با آگاهی از آن، در برابر آن

احساس عزت می‌نمایند؛ آن‌چنان‌که بیش از سه‌چهارم دانش‌آموزان از دیدن آثار باستانی ایران احساس سرافرازی می‌کرده‌اند و نزدیک به همین میزان، معتقد بوده‌اند که باید از عظمت و ارزش فرهنگ و تمدن ایرانی در برابر فرهنگ غربی حفاظت شود. بنابراین، آگاهی از فرهنگ و تمدن باعث می‌شود دانش‌آموزان خود را در جایگاه ملتی بشناسند که منشأ و اصلش در تاریخ است. شاید این‌گونه «ایران و ایرانی‌بودن منشأ تاریخی دارد»، «من یک ایرانی هستم» پس «من از تاریخ سرچشمه می‌گیرم» و این‌چنین دانش‌آموزان پایه و بنیانی برای خود و جامعه خود متصور می‌شوند که توجیه‌کننده حرکت آن‌ها در چارچوب اهداف اجتماع است.

هویت جغرافیایی نگرش مثبت به آب و خاک را دربرمی‌گیرد؛ به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. در حقیقت هویت جغرافیایی به احساس تعلق و دلبستگی به سرزمین مادری و آمادگی برای دفاع از آن در برابر دشمنان خارجی و تلاش در جهت آبادانی آن اشاره می‌کند. هویت جغرافیایی آن‌گاه پدید می‌آید که من خود را در چارچوب سرزمینی که در آن به دنیا آمده‌ام با دیگران مشترک بدانم و احساس ما بودن در این احساس اشتراک حاصل آید. با بررسی نتایج، مشخص می‌شود که ۷۶ درصد دانش‌آموزان دارای هویت جغرافیایی بالایی هستند و میانگین ۷۵ این امر را تأیید می‌کند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت هویت جغرافیایی دانش‌آموزان در سطح بالایی قرار دارد.

جدول شماره ۶: درصد دانش‌آموزان دارای هویت تاریخی و جغرافیایی بالا، متوسط و ضعیف

بعد هویت ملی	هویت بالا	هویت متوسط	هویت ضعیف	میانگین (۰ تا ۱۰۰)
بعد تاریخی	۷۶	۱۹	۵	۷۵/۹
بعد جغرافیایی	۷۶	۱۴	۱۰	۷۵

براساس جدول شماره ۴، تنها ۵ درصد پاسخگویان در زمینه هویت تاریخی و ۱۰ درصد آنان در زمینه هویت جغرافیایی ضعیف بوده و مابقی در این دو حوزه از هویت، مشکل خاصی نداشته‌اند.

منابع

- ترنر، جاناتان، و اچ وال بیگلی (۱۳۷۱)؛ *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*؛ ج ۱ و ۲، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده؛ تهران: فرهنگ شیرازه.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴)؛ *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*؛ تهران: مرنديز.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی نظم*؛ تهران: نشر نی.
- حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *مطالعات ملی*؛ س ۱، ش ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴)؛ «هویت ملی ایرانیان»، *راهبرد یاس: فصلنامه پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس*؛ ش ۴، صص ۱۳۸-۱۲۹.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۰)؛ *بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی مطالعه موردی قوم بلوچ*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کازنو، ژان (۱۳۷۰)؛ *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*؛ ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی؛ تهران: اطلاعات.
- کوزر، لویس (۱۳۶۸)؛ *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ ج ۵ و ۶؛ تهران: علمی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰)؛ «جهانی‌شدن و بحران هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ س ۳، ش ۱۰، صص ۴۸-۱۳.
- منتظر قائم (۱۳۷۹)؛ «رسانه‌های جمعی و هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*؛ س ۲، ش ۴، صص ۲۷۰-۲۵۱.
- Burke, Peter (1991); "Identity Processes and Social Stress", *American Sociological Review*; Vol 59, pp 25-46.
- Hall, Ronald (2001); "Identity Development Across the Lifespan: A Biracial Model", *The science journals*, Vol 38, pp 119-123.
- Heise David R. (1998); *Conditions for Empathic Solidarity , in the Problem of Solidarity, Theories and Models*; Edited by Patrick Doreian and Thomas Fararo; Amsterdam: Gordon and Breach publishers.
- Kupper. Adam and F.Jessice kupper (1996); *Social Science Encyclopedia*; London: Rutledge.
- Stryker, S. And Burke, P. J, (2000); "The past, present and Future of Social Identity Theory", *Social Psychology Quarterly*; Vol 3. N. 63. pp 284-297.
- Turner.c.and Haslem, s (2001); *Social Identity, Organization and leadership*; by E. Turner. Group at Work. London: Lawrence Erlbaum Associations' Publishers.